

مشهد محمد حسن شریعتی
واعظ محترم

چگونه تبلیغ کنیم؟

بر کسانی که مقداری از وقت خود را صرف مطالعه احکام اسلام نموده و نیز اطلاعاتی در ملل و نحل داشته باشند روشن است که در بین قوانین آسمانی که حاوی منافع مادی و معنوی بشر است و اساس و شالوده آن خدائی و برهبری رهبران آن پایه گذاری شده، دین مبین اسلام است.

و نیز مسلم است که دنیای امروز با حکام عاقلانه این آئین مقدس علاقه مند بوده و بایک جنبش تبلیغاتی نوین و صحیح، میتوان بگانه آرمان بشر را که تأمین سعادت و وجهانی اوست معرفی کرد.

و اگر اساس تبلیغات را در سه موضوع خلاصه و محدود نموده و عوامل و وسائط تبلیغی دیگر را تحت الشعاع این سه اصل بدانیم دو چار اشتباه نشده ایم.

اصول سه گانه عبارتند از:

۱- فرهنگ.

۲- مطبوعات.

۳- کرسی خطابه یا منبر،

کتابخانه فیضیه قم

۱- اگر یک فرهنگ عمیق و مطلع میداشتیم. از نظر مبادلات فرهنگی با کشورهای جهان یکی از حساس ترین طرق اشاعه اسلام و بیداری جهانیان نسبت با احکام این دین حنیف بشمار میرفت.

مبادلات فرهنگی و مسافرت دانشجویان بکشورهای بیگانه میتواند باارمغان معارف و حقائق اسلام همراه باشد. زیرا از همین موقعیت دیگران سوء استفاده نموده و در اثر سمپاشیهای اخلاقی افکار جوانان ما را مسموم و مضطرب ساختند.

۲- چراند و انتشارات که زل مهمی را در انجام وظائف تبلیغی بازی کرده و موجب گمراهی با هدایت افکار خوانندگان میکردند زیرا صفحات چراند و مجلات از کاخهای مجلل و باشکوه تا کلبه‌های دهقانی و از شرکتهای بزرگ بازرگانی تا کاسب‌چیز و از وزارتخانه‌ها تا دوائر کوچک طرفدارانی دارد که مقداری از وقت خویش را صرف قرائت و مطالعه آنها نموده و مینمایند:

راستی اگر این در کن رابع مشروطیت، از اضلال خود دست بر میداشت و با انتشار عکسای شهوت انگیز و مقالات جنایت آمیز مبادرت نمینمود و بجای آن مطالب سودمند و داستانهای اخلاقی را میساخت و حقائق دینی را با قلمهای توانا، تشریح مینمود و دومین قدم را بسوی قانون فطرت سلیم یعنی اسلام بر میداشتیم.

۳- کرسی‌های خطابه و عرشه منبر است که برای نشر حقائق اسلام

مقام ارجمندی را واجد است و چون نظر نویسنده توجه باین اصلی و اساس است
لذا در این موضوع تعقیب بیشتری میشود .

ما بخوبی میدانیم که انقلابات بزرگ جهان و تحولات سیاسی گیتی از یک خطابه مهیج و متین شروع و اقلان اجتماعات نیز از همین معجری بوجود آمده است .

میتوان يك خطیب توانارا بمنزله صیّاد ماهری دانست که در سنگر
منبر و کرسی خطابه باتیرهای سخن و کلمات مستدل صید قلوب نموده و دلها
را بجانب هدف و مقصود جلب مینماید ، بدیهی است همانطور که يك نفر صیّاد
باید واجد شرائطی باشد تا در تیر اندازی خطا نرفته و تیر او به هدف اصابت کند
و اگر صیّاد در هنگام نشانه گرفتن ارتعاشی بر اندامش عارض و یا هدف مشخص
نداشته و یا اینکه اطلاعات فنی او ناقص باشد با عدم موفقیت رو برو
خواهد شد .

گوینده‌ای هم که می‌خواهد شنود کن را بمطالب خود آگاه کند و یا بسخنان فصیح و بلیغ خود، وی را قانع ساخته و یا بامری راغب نماید تا گویند است که شرائط خاصه این فن شریف را واحد و دارا باشد .

اما شرايطی که برای یکنفرواعظو مبلغ ضروریست که اگر فاقد بعضی از آن هم باشد صلاحیت منبر رفتن و وعظ و تبلیغ را ندارد بطور اجمال و فهرست از این قرار است ۱

الف - قبل از هر چیز باید حس اعتمادش قوی و توجهش بخدا بوده و از زی خود خارج نشده و سخنش طبیعی باشد . از تقلید کور کورانه دیگران اجتناب ورزیده و پیچوفت مرعوب موقعیت مجلس نکردد . عذرخواهی از

مستمعین نماید « که بنده ناقابل در مجمع دانشمندان و افاضل عاجز از تقریر مطالب و تشریح مقاصد خویشم « این خفص جناح یافروتنی بی مورد وزن کوینده رایائین آورده و شنوندگانرا نسبت بوی و سخنانش بی اعتناء میسازد لابد مستمعین که بسخنان کوینده گوش میدهند نظر استفاده ای دارند و تمسکه واعظ مقرر، به نادانی خود و دانش شنونده باشد دیگر دلیلی بر توجه بسخنان کوینده باقی نمی ماند .

ب - مانند استادی مهربان که دانشجویان را بسخنان شیرین و دل پذیر و مطالب سودمند و برجسته خود آشنا میسازد با مستمعین سخن گوید .

و از هر گونه تند ی و کلمات جسورانه بر حذر می باشد .
وعد ، و وعیدش ، در حد و نوامیس دین بوده و از دائره خوف ورجا و قدم فراتر نکندارد . از نکات حکیمانه و مواظبت مشفقانه و جدال (بالتی هی احسن) غفلت نرزد . از خود ستائی و بلندپروازی اجتناب نماید .

دعوی ممکن که بر ترم از دیگران بعلم

چون کبر کردی از همه نادان فروتری

ملایمت و نرم زبانی و محبت و مهربانی شیوه خطیب بوده و از این راه

جلب توجه شنونده یا اقناع و ترغیب آن میسر و مقدر است . اخلاق خوش

از عوامل مهم پیشرفت دین بشمار رفته و در زندگانی پیشوایان اسلام با خط

برجسته نمایانی جلوه گراست .

درس ادیب اگر بود ز مژه محبتی جمعه بمکتب آورد طفل گریزیای را

ج - صدق در اقوال و خلوص در اعمال است . نسبت به يك سخنور

و گوینده مذهبی جنایتی از این بزرگتر نیست که بگفتار خویش بی ایمان بوده و عقیده اش برخلاف گفتارش باشد ، شاید با این روش مزورانه بتوان برای مدت کوتاهی جمعی را فریب داد ولی مسلم است کلامیکه رائج و نافذ از آن استشمام شود بمشام جان نرسیده و تصرفی در دلها ندارد ، و زود خلاف کوئی یا دورنگی گوینده را فاش میسازد ؛ میتوان ایمان را سخ و پاکی عقیدت را در درجه اول سرمایه خطیب و گوینده دینی دانست ، زیرا در این صورت واعظ مجموعه و عظ و تبلیغ قوی و فعلی است ، بدیهی است انحراف نسل جوان و بی رغبتی و عدم تسایل آنان نسبت بمقدمات مذهبی معلول عللی است که از آن جمله بر خورد با گوینده سست عقیده که بافقد سرمایه علمی و عملی در اجتماعات باسخنان فریبنده طوری جلوه گرفته و لی در خلوت با درونی تیره در تیرگی بسر میبرد . . .

متأسفانه باین بودن فصل مهمی از تضاد و غلط عرف و عوام این فساد را تعمیم داده و امتیازی بین صالح و طالح لباس روحانیت نمیگذارد ، مسلم است گوینده ای که در گفتار و کردار خویش تبعیت از امیال شیطانی و هوای نفسانی کند بر فرض آشنائی با اصطلاحات و قواعد علمی هم داشته باشد ، عالمی است بی عمل ، و با دزدی است که با چراغ علم گزیده تر ، برد کالا .

از من بگوی عالم تفسیر کوی را کرد در عمل نکوشی نادان مفسری
با درخت علم ندانم بجز عمل با علم اگر عمل نکنی شاخ بی بری
و - گوینده باید قبل از ایراد خطابه مطالب خویش را منظم نماید
زیرا اگر ناطق طرح نطق خود را تهیه نکند ، یاد را اثر تمرین زیاد بخاطر
نسپارد ، هنگام ایراد سخنرانی با نگرانی واضطراب مواجه گشته حتی

گاهی از این شاخه بآن شاخه رفته و سخنان بی مورد که با اصل مقصد و موضوع خطابه هیچ سنخیت و مناسبت ندارد، تضییع وقت مینماید؛ بدیهی است این گونه سخنان، ارزش شنیدن نداشته و محصولی جز «عرض خود بردن و زحمت دگران داشتن» ندارد.

هـ. خلوص نیت و قصد قربت است. بعد از فرائض و واجبات هیچیک از نوافل و مستحبات مقام وعظ و تبلیغ را نداشته، بلکه اتیان بواجبات و ترك محرمات نوعاً محصول تبلیغات دینی بوده و به **يقام الفرائض والسنن** است در شرافت وعظ همین بس که ذات مقدس الهی واعظ است **يعظكم** **لعلكم تذكرون** عظمت تبلیغ بقدری است که از وظائف انبیاء بوده و جزء سلاح نبوت بشمار میرود.

بلغ ما انزل اليك من ربك پس وعظ و تبلیغ در ردیف بهترین عبادات بوده، و روشن است که عبادت بدون قصد قربت محقق نمیشود.

بر گوینده و خطیب دینی لازم است که هنگام سخنرانی و قرار گرفتن بر عرشه منبر با کرسی خطابه؛ خلوص نیت را رعایت نموده فقط برای خدا سخن بگوید. اعرش را از خدا بخواهد، هدفی جز ترویج دین مبین اسلام نداشته باشد. **ان تنصروا الله ينصركم ويثبت اقدامكم**

وعظی که بود بهر خدا با اثر افتد و زصفت آن تازه شود قلب مكدّر و مقام شامخ سخنرا با قدح و مدح بیجا آلوده نساخته از هر گونه تعریف و کزاف کوی که از حقیقت دور باشد جداً حذر کند. معلوم است اگر ممدوح واجد شرائط مدح نباشد مباح نزد شنوندگان متعلق و چاپلوس معرفی شده و دیگر نسبت بمطالب گوینده هر چند بلند و اساسی

هم باشد و قعی ننهاد و واعظ غیر متعظش میدانند ، طبیعی است که هر گونه مداحی از اشخاص موجب خوشنودی شخص مورد مدح شده و از مداح حتی تشکر هم میکند . ولی با يك محاسبه نفسانی سخنور را کزاف کو و نالایق میشناسد ، زیرا بحکم الانسان علی نفسه بصیره هر کسی به حدود نقص و کمال خود بهتر از دیگران آگاه است ، پس اگر واعظ مداحی بیمورد رایشه کند همانطور که وزانت خود را از دست میدهد ؛ مردود خدا و رسول نیز بوده و حتی جامعه او را بی اراده وضعیف النفس میداند ، و اگر منصفانه قضاوت فرمائید صاحبان مجالس هم اگر ارادت به چنین شخصی داشته در ادامه دوستی و ارادت با او متزلزل اند ؛ مدیحه سرایانی که بعقیده خود بیوگرافی متوفی یا خدمات بانیان مجامع دینی را رعایت نموده ، و آنقدر دایره تعریف و تمجید را وسعت میدهند که عنقای خیال هم از پرواز بقله قاف آنها عاجز است ، سخت در اشتباهند .

در مجالس ترحیم و طیفه خطیب و واعظ است . که بجای مدیحه سرایان مطالب مناسب و سودمند برآورد کند ، مخصوصاً در اطراف معاد و جهان بعدی مستدلاً سخنرانی نموده و از علوم طبیعی در اثبات معاد استفاده نماید در این گونه مجالس که غالباً تشریفاتی است ؛ شخصیتهای ممتاز و رجال درجه اول که کمتر در انجمن های مذهبی و دینی دیده میشوند نظر بجهات عدیده و حفظ موقعیت و مناسبت ، شرکت میکند ؛ واعظ باید در عین حال که ممانعت خود را حفظ کرده طوری جذاب و جالب سخنرانی کند که ، شنونده راغب بسنخنان گوینده بود و بطور محسوس تحت تأثیر مطالب خطیب قرار گیرد ، راستی این قبیل مجالس جالب ترین کلاس تربیت اجتماعی است ؛ که بهترین

فرصت را برای کویندگان د بر دارد، و با توجه باینکه فن سخنوری، منبری، شریفترین فنون است، و تربیت اخلاقی و دینی و تکمیل مراتب ایمان جامعه از این راه ممکن است: باید گفت: آنانکه باین فن شریف می پردازند و خویششان را در ردیف خطبا و کویندگان جلوه گر میسازند باید ارجمندترین طبقات بوده و واجد شرائط علمی و عملی باشند، و چنانچه این نکات رعایت نشود و کسانی که فاقد صلاحیت و عطر تبلیغ باشند سنگر حساس تبلیغات مذهبی را اشغال نمایند نفعی در برابر نداشته، بلکه زبان آن غیر قابل جبران است و چه بسا موجب ضعف عقاید دینی گشته و جمعی را بمبانی عالیله دیر بدبین نمایند *

کوینده مذهبی یا واعظ باید مقتصد و محیط و مجرب باشد، زیرا هر چه تجربه و احاطه و تمیزش بیشتر باشد؛ اساس کلمات و سخنانش محکم تر و بهتر جلب نظر مستمعین، خاصه دانشمندان از شنوگان را نموده، و موقعیتی در قلوب احرار می کند که منجر به پذیرفتن و عطا و اندرز کوینده خواهد شد و اعظم و مبلغ باید قسمت اعظم وقت خود را صرف مطالعه کتب تفسیر و فقه و حدیث نموده؛ و از اتلاف وقت و تضییع عمر بر حذر باشد.

کویندگانیکه رغبتی بمطالعات نداشته، و یا آنکه صلاحیت فهم مطالب کتب را ندارند. خوب است از منبر رفتن صرف نظر نمایند *

زیرا بی حالی در امر مطالعه و کتاب خواندن؛ کوینده را وادار بیاوه کوئی و تکرار مکررات مینماید *

مکوی آن سخن کاندراوسود نیست که از آتشت بهره، جز دود نیست

ز دانش چه جان تر اما به نیست

به از خامشی هیچ پیرا به نیست

ز شبهه‌ای نیست که علم تفسیر و حدیث و فقه و اصول و ادبیات عرب و ادبیات فارسی در رأس علوم منبری قرار دارد.

زیرا قرآن و احادیث محور سخن خطیب را تشکیل داده و بیان مسائل فقهی اشاره بر رؤس مبانئ اصول از مسائل مهم منبر بشمار رفته و اهمیت بسزائی دارد.

و ادبیات چه عربی و چه فارسی زینت سخن بوده و اگر سخنور مرتکب اشتباهات ادبی شود، چنان در نظر ارباب دانش سقوط میکند که دیگر تمام کلماتش بی مغز تلقی شده و او را گوینده سطحی و قشری میدانند. و حق هم همینست آشنائی بجغرافیائی ممالک اسلامی و همچنین علوم جدید و ادوات و ابزار کار منبری را تشکیل داده و چه بسا اشاره به آنها موجب توجه شنوندگان گردد.

از علوم سیاسی و اقتصادی باید بهره داشته باشد. مبانئ منطق همیشه باید مانند تابلوی زیبا و برجسته‌ای در مقابل چشم خطیب مجسم باشد. گویند باید روان شناس بوده و مقتضای حال را رعایت کند. خلاصه آنکه واعظ و مبلغ باید جامع المعقول و المنقول باشد.

آشنائی کامل بیکمی از زبانهای زنده دنیا جزء برنامه مبلغ و واعظ است. خاصه در این عصر که روابط ملل دنیا بیکدیگر زیاد ورشته ارتباطات محکم و فاصله ها کوتاه و مسافرتها آسان و ساده شده است. و میتوان گفت

زبان‌دانستن فریضه ذمه خطیب بوده و اساس تبلیغات را بدین وسیله میتوان در اختیار جهان شرق و غرب گذارد.

ی - روایات و احادیث را از منابعی نقل کند که بتصویب ائمه اطهار رسیده باشد «مانند کتب اربعه» و از نقل روایات ضعیفه و متشابهه کاملاً بر حذر باشد. آیات متشابهه را مطرح ننموده و بطور کلی از مطرح نمودن موضوعات مشکله و مسأله‌ای که از نقل آنها عاجز است خودداری نماید. در اوین شعر را مطالعه نموده و در حفظ اشعار اخلاقی و تهج و لطیفه‌های نغز حریص باشد. بکتب افسانه و اساطیر و قصص مراجعه نموده و از داستانهای واقعی و شیرین برای رفع خستگی مستمعین و شنوندگان استفاده نماید. (البته بکار بردن فکاهیات بنحو مؤدبانه باشد؛ که موجب ملال خاطر حضار نگردد.)

در ذکر مصائب و مناقب خاندان پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله از متون مقاتل معتبره تجاوز ننموده و از نقل مطالب نادرست اجتناب نماید. و بهتر اینست که ذکر مصائب جز در ایام سوگواری بنحو اختصار بر گزار شود.

کتابخانه فیضیه قم